

بیانیه مشترک شش سازمان در پشتیبانی از خیزش مردم ایران علیه نظام جمهوری اسلامی

از اعتراضات مردم به گرانی، بیکاری، اختناق و
فساد در حکومت

و علیه جمهوری اسلامی پشتیبانی کنیم!

یک هفته است که شهرهای مختلف ایران، شاهد تجمع اعتراضی مردم است. تظاهراتی که در هشت دیماه در شهر مشهد با شعارهایی علیه گرانی، بیکاری، محرومیت، آغاز شد، به سرعت و در فاصله چند روز، به بسیاری از شهرهای بزرگ و کوچک سراسر کشور گسترش یافت و به تدریج رادیکالتر شده و با شعارهایی همچون «آقا خدایی می‌کنه، ملت گدایی می‌کنه»، «اسلام رو پله کردید، مردم رو ذله کردید»، «اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمامه ماجرا»، «مرگ بر روحانی»، «مرگ بر دیکتاتور»، «جمهوری اسلامی، نمی‌خواهیم! نمی‌خواهیم!» مستقیماً، ولی فقیه، رئیس‌جمهور، مسئولین حکومتی و سرانجام خود نظام را نشانه رفته است.

اعتراضات مردم بیانگر بحران اقتصادی عمیق، فساد لجام گسیخته در دستگاه حکومت، بی‌کفایتی، دزدی دولتیان و سرکوب و دیکتاتوری است. این تظاهرات ریشه در سی و هشت سال حکومت نالایق و فاسد جمهوری اسلامی دارد. در این سی و هشت سال دولت‌های بسیاری با عناوینی همچون، «خدمتگزار»، «سازندگی»، «اصلاح طلبی»، «امام زمانی» آمدند و رفتند و جز چپاول ثروت‌های ملی، خالی کردن جیب مردم و گسترش بیکاری، فقر و بدبختی و تداوم سرکوب چیزی برای مردم باقی نگذاشتند. در پی آنها دولت «تدبیر و امید» آمده است تا آنچه را که باقی مانده، بروبد و جارو کند. بی‌دلیل نیست که اکنون اعتراضات کارگران به وضعیت معیشت خود و خانواده‌شان مال‌باختگان به موسسات مالی، بازنشستگان، جنبش دانشجویی و دیگر قشرهای جامعه گسترش یافته و طی ماه‌های اخیر روزی نبوده است که در رسانه‌ها اخباری از تجمعات و اعتراضات مردم دیده نشود.

در حالی که تظاهرات و اعتراضات مردم در شهرهای ایران ادامه داشته و گسترش بیشتری هم یافته است، رژیم جمهوری اسلامی از یک سو تلاش

می‌کند تا با وعده رسیدگی به مشکلات اقتصادی، مردم را به خانه‌ها برگرداند و از سوی دیگر می‌خواهد با بستن سایت‌های اینترنتی، شبکه‌های ارتباطی مجازی و محدود کردن وسائل ارتباط جمعی، ارتباط مردم در سطح شهر و شهرهای مختلف را قطع کند. بر اساس اخبار رسمی خود مقامات انتظامی، تا کنون نزدیک به پانصد تن در تهران، اراک و دیگر شهرها دستگیر شده و بیش از بیست تن به قتل رسیده‌اند.

حسن روحانی که با عوام فریبی اعلام کرده بود، انتقاد و اعتراض در همه امور حق مردم است، پس از گذشت چهار روز از ادامه اعتراضات مردم، نه تنها دستور مسدود کردن کانال‌های اینترنتی مجازی چون «تلگرام» و «اینستاگرام» را داد، بلکه تهدید هم کرد که با معترضین شدیداً برخورد خواهد کرد. در کنار وی اصلاح طلبان نیز پس از چند روز سکوت، ضمن کلی گویی درباره مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم و با گفتن این که مردم حق دارند اعتراض کنند، اعتراضات مردم در خیابان‌ها را به تحریک قدرت‌های خارجی نسبت داده و خواهان سرکوب تظاهر کنندگان شدند.

ابعاد بحران اقتصادی-اجتماعی و سیاسی در حدی است که حکومتیان بیش از این نمی‌توانند آن را انکار کنند، ولی با بیان این که «باید به محتوای این اعتراضات مردم توجه شود»، تلاش می‌کنند که تجمع و حرکت‌های اعتراضی را به هدایت از خارج و دخالت سرویس‌های جاسوسی امریکا و اسرائیل و غیره نسبت داده و ضمن ارباب مردم، زمینه پرونده سازی برای دستگیرشدگان و سرکوبگری‌های بیشتر را آماده کنند.

حکومت در روزهای اول با این امید که این تظاهرات خود جوش سریعا خاموش خواهد شد، برخورد ملایمی داشت، ولی با تداوم تظاهرات و گسترش آن به بسیاری از شهرها، به وحشت افتاده و ماشین سرکوب خود را راهی خیابان‌ها کرده تا آتش خشم مردم را مهار و آن‌ها را از خیابان به خانه بفرستد.

اعتراضات مردم خودجوش و از بستر نارضایتی عمیقی سرچشمه می‌گیرد که زمینه‌های آن در طول بیش از سه دهه حکومت اسلامی بتدریج، لایه به لایه، افزوده شده و تلنبار گشته است. انبوه خشم و نفرت مردم تنها نیاز به یک جرقه داشت تا در خیابان‌ها سرازیر شود و شعله کشد. جنبشی که از یک هفته پیش آغاز شده است متوقف نخواهد شد، حتی اگر رژیم بتواند در این مقطع با توسل به سرنیزه، سرکوب و زندان آن را خاموش نماید، بازهم بزودی سر بر خواهد آورد.

روند گسترش تدریجی تظاهرات و ترکیب شعارهای مردم به روشنی نشان از حداقل هماهنگی و سازماندهی مردم در شهرهای مختلف دارد و بویژه فقدان یک آلترناتیو مورد اعتماد مردم در این میان بارز است. پراکندگی شعارها، ضمن نشان از تنوع ترکیب شرکت کنندگان، عملاً مطالبات اصلی و نیازهای واقعی مردم در مقطع کنونی را در میان انبوه شعارهای مختلف پنهان می‌کند که مناسب سطح تظاهرات مردم نیست.

در تلاش برای تداوم و تعمیق مبارزات حق‌طلبانه توده‌ها در جهت ایجاد رابطه و پیوند بیشتر میان جنبش‌های اجتماعی، و برحسب موقعیت و شرائط حاکم، ضروری است که شعارها و خواسته‌های پراکنده حول چند شعار مشترک و اصلی چون، استقلال، آزادی، نان، کار، دموکراسی، جدایی دولت و دین و عدالت اجتماعی و در اعتراض به فساد، تبه‌کاری، دزدی و نهایتاً تغییر رژیم متمرکز شود. بر این مبنا و در همان چارچوب می‌توان مطالبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مشخصی را طرح و برای تحقق آن‌ها و عقب‌راندن رژیم، مبارزات را ادامه و گسترش داد.

این وظیفه همه سازمان‌ها و نیروهای سیاسی ملی، چپ، دموکرات و آزادی‌خواه است که در این شرائط حساس و بحرانی جامعه ایران، فعالیت‌های خود را در حمایت و پشتیبانی از مبارزات مردم و رساندن صدای آن‌ها به گوش جهانیان، هماهنگ کرده و تلاش‌های خود در جهت پیریزی یک ائتلاف دموکراتیک، لائیک و آزادی‌خواه را افزون‌تر کنند.

خیزش مردمی علیه جمهوری اسلامی نشانه‌ی آن است که بیش از پیش بخش‌های هر چه گسترده‌تری از مردمان ایران، از جوانان، زنان، زحمتکشان، ملیت‌ها و دیگر اقشار تحت ستم سرمایه‌داری دینی، در شهرهای کوچک و بزرگ و در شهرستان‌های مختلف کشور خواهان برچیده شدن نظام جمهوری اسلامی در تمامیت‌اش می‌شوند. آن‌ها به کوچه و خیابان می‌ریزند و هراسی به دل راه نمی‌دهند. آن‌ها توهمی نسبت به بهبود شرایط در چارچوب نظام اسلامی و یا تحول آن از طریق اصلاحات ندارند. بدین سان، سرنگونی نظام جمهوری اسلامی به دستان توانای خود مردم تحت ستم، از طریق جنبش‌های آگاه و سازمان‌یافته‌شان، دیگر نه تنها آرزویی دور نیست، بلکه به امر ممکن و کنون تبدیل می‌شود.

حزب دمکرات کردستان ایران

حزب کومه له کردستان ایران

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

شورای موقت سوسیالیستهای چپ ایران

شورای هماهنگی جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران

کومه له زحمتکشان کردستان

14 دی ۱۳۹۶ - 4 ژانویه ۲۰

بیانیہ جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران در پشتیبانی از خیزش مردم ایران علیه جمهوری اسلامی

این پرازار گند جهان نیست

بياداد

تعرف
ن

در چند روز اخیر شاهد اعتراضات مردم در بسیاری از شهرهای ایران هستیم.

سیاستهای جمهوری اسلامی سالهاست که به نفع باندهای قدرت تنظیم می شود. حیف و میل درآمدهای نفتی و دیگر ذخایر زیرزمینی و بطور کلی منافع ملی، تقسیم ناعادلانه ثروت همراه با رانت خواری ها و باندبازی ها باعث فاصله های طبقاتی و قطبی شدن جامعه، جمع شدن فقر در یک سو و ثروت در سوی دیگر شده است. بخشی دیگر نیز برای گسترش هژمونی اسلامی در کشورهای دیگر به مصرف میرسد که در اثر آن حقوق ملت ستمدیده ایران با یمال میگردد.

چهل سال است مردم در ایران انواع و اقسام فشارهای سیاسی، اقتصادی

و فرهنگی را تحمل کرده اند. کوچکترین اعتراضی سرکوب شده و زندان و شکنجه به همراه داشته است. اعدام های سراسری زندانیان سیاسی در سال های ۶۰ و ۶۷، ترور روشنفکران، نویسندگان و دانشمندان، سرکوب مبارزات مردم در سال ۸۸، سرکوب هرگونه مخالفتی در چند سال اخیر، تنگ کردن فضای سیاسی جامعه، خفه کردن هرگونه صدای آزادیخواهی و جلوگیری از هرگونه اعتراضی، مردم را به فریاد درآورده است. مسلم است که مبارزات مسالمت آمیز مردم و خواست های اقتصادی و سیاسی آنان نشان از تحولی عمیق و ریشه ای دارد و در چارچوب نظام جمهوری اسلامی محقق نخواهد شد.

مردم ایران نیک میدانند برای تحقق خواسته های خود باید از این نظام عبور کرد و شرایط دموکراتیکی را در جامعه برقرار کنند. مردم ایران امروز در خیابان های آن سرزمین فریادی بلند را سرداده اند و تلاش میکنند تا به سردمداران نظام جمهوری اسلامی و همه جهانیان بگویند که این نظام باید برود و تحمل زندگی در این حکومت دینی و ضد انسانی را ندارند.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران همواره بر شعار جمهوری، دموکراسی و لائیسیته تاکید کرده است و مسئله جدائی دین و دولت و همچنین تلاش برای استقرار جمهوری، یعنی حضور مردم در امور سیاسی و تحقق آزادی های انسانی همواره شعار و تلاش عملی آن ها بوده است.

ما اعتراضات مردم ایران را به حق میدانیم

ما سرکوب این اعتراضات را محکوم میکنیم

ما خواستار سرنگونی جمهوری اسلامی بدست مردم و بدون دخالت های بیگانه هستیم

ما افکار عمومی جهان مترقی را به پشتیبانی از خیزش مردم ایران دعوت میکنیم

شورای هماهنگی جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران

پنجشنبه ۱۴ دی ۱۳۹۶

تظاهرات در پاریس در پشتیبانی از خیزش مردم ایران علیه نظام جمهوری اسلامی



روز شنبه 6 ژانویه ساعت 15 تا 17
پاریس، میدان شاتله
Place du châtelet

کمیته پشتیبانی از خیزش مردم ایران - پاریس

اعتراض به نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی

بیانیه

شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک
ایران

در اعتراض به نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی

دهم دسامبر روز جهانی حقوق بشر است. این روز برای یادآوری وظیفه مردم سراسر جهان، در دفاع از این دستاورد جهانی، احترام به آن و به ویژه افشای تجاوزکنندگان به این ارزش های انسانی رسمیت بین المللی پیدا کرده است. با اینکه اصول مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و ملحقات آن جنبه جهانشمولی دارند، اما متأسفانه در بسیاری از کشورهای جهان، به ویژه در ایران این حقوق رعایت نمی شوند.

جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهایی می باشد که علی رغم تعهد رسمی به منشور جهانی حقوق بشر، هر روز آشکارا و بی محابا آن را زیر پا می گذارد. آمارهای سالانه تجاوز به حقوق بشر در رژیم جمهوری اسلامی به هزاران فقره می رسند که برای رسیدگی به آنها در ایران هیچ دادگاه و دادرسی مستقل و آزاد وجود ندارد که هیچ، بلکه وکلای طرفدار حقوق بشر یا زندانی یا از ادامه فعالیت حرفه ای خود محروم می شوند. در این تجاوزات به حقوق انسانی، کل سیستم جمهوری اسلامی، ولایت فقیه و قوانین عقب مانده و تبعیض آمیز آن که خود را به جامعه ایران تحمیل کرده اند، مقصر هستند. عدالت خواهی، دموکراسی طلبی، برابری خواهی و بطور کلی، همه آزادی های طبیعی و ابتدایی بشری، مانند آزادی اندیشه و عقیده و دین، آزادی بیان، برابری زن و مرد، آزادی تشکیل اجتماعات، احزاب و سندیکاها، آزادی های آموزشی، فرهنگی و هنری، حقوق اقوام، هنرمندان، نویسندگان، دگراندیشان... از همان ابتدای روی کار آمدن جمهوری اسلامی تا به امروز رعایت نشده است، امروز این بی عدالتی ها همچنان ادامه دارند و ابعاد آن هر روز گسترش پیدا می کنند.

ما مخالف حکم اعدام هستیم. ایران از نقطه نظر اجرای احکام اعدام در دهه های اخیر، در رده های بالا و غالباً در ردیف نخست یا دوم جهانی قرار داشته است. بطور مثال بر اساس آمار محافل حقوق بشری "در فاصله زمانی ۱۰ اکتبر ۲۰۱۶ تا ابتدای اکتبر ۲۰۱۷، حداقل ۵۰۸ نفر در نقاط مختلف ایران به شیوه حلق آویز اعدام شده اند که این رقم در مقایسه با زمان مشابه در یک سال پیش از آن، نه تنها هیچ کاهش نداشته بلکه حداقل حدوداً ۱۰٪ رشد داشته است." اعدام نوجوانان زیر ۱۸ سال در ایران ادامه دارد که خلاف «حقوق سیاسی و مدنی» و نیز در مغایرت با پیمان نامه بین المللی «حقوق کودک» است.

از نظر ما برابری حقوق زن و مرد، یک ارزش اجتماعی خدشه ناپذیر جوامع انسانی به شمار می آید. در ایران، حقوق زنان، که خود بیش

از ۵۰ درصد شهروندان را تشکیل می دهند با نابرابری ها و اجحافات واپسگرایانه به شدت زیر پا گذاشته می شوند.

به باور ما وجود زندانیان سیاسی در هر کشور نشانه بارز استبداد، خفقان و تجاوز به حقوق سیاسی است. جمهوری اسلامی همیشه مخالفان سیاسی خود را به زندان انداخته و حقوق دفاعی آن ها را پایمال کرده است. در این شرائط، تنها وسیله مقاومت زندانیان سیاسی ایران در مقابل این نابرابری ها و حق کشی ها اعتصاب غذا می باشد، که رژیم در تقابل با این اعتراض ها به خشونت متوسل می شود و نسبت به اعتراضات سازمان عفو بین الملل و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و دیگر نهادهای بین المللی توجه ای نمی کند.

ما اعتقاد داریم که آموزش کودکان و جوانان از اهمیت بسزائی برخوردار می باشد و مناسبات اجتماعی را بهبود می بخشد و از نرخ خلافتکاری و جنحه و جنایت می کاهد.

این روزها در تهران و شهرستان ها مسئله کودکان و زنان کارتون خواب چهره زشت دیگری از نابسامانی اقتصادی و اجتماعی در نظام جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشته است. کودکان و زنانی که از مکانی برای زندگی محرومند، مجبورند امرار معاش خود را در کوچه و خیابان تأمین کنند.

این کودکان به دلیل تنگ دستی و محرومیت از ابتدائی ترین شرایط زیستی، در کنار جامعه به جای تحصیل و حضور در کلاس های درس، سخت ترین کارها را برای ادامه حیات خود انجام می دهند.

با وجود اینکه سیستم آموزشی در ایران از وضعیت مناسبی برخوردار نیست، دانشجویان، معلمان و استادان اگر دست به کوچکترین اعتراض یا اعتصاب بزنند مجازات، زندانی و از کار بیکار می شوند.

ما کوچکترین تردیدی نداریم که تشکیلات مستقل کارگری ضامن اصلی عدالت اجتماعی و حقوق زحمتکشان است. در ایران سندیکا های کارگران و تشکیلات مستقل معلمان عملاً تعطیل شده اند و رهبران شان در اثر کوچکترین اعتراضی، زندانی می شوند و مورد آزار و شکنجه قرار می گیرند.

ما معتقدیم علت این بیعدالتی ها در بطن قوانین عقب مانده و واپسگرای اسلامی جای دارند که در مغایرت کامل با هنجار های متمدنی و انسانی و ارزش های حقوقی دنیای مدرن می باشند.

ما جدایی دولت از همه ادیان و عدم دخالت پندارها و دستورات دینی در امور مملکتی را پیش شرط اساسی برای رعایت پیمان جهانی حقوق بشر در یک کشور، از جمله در ایران، می دانیم.

شورای هماهنگی جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران همه تجاوزات به حقوق انسانی را به شدت محکوم می‌کند و از سازمان های آزاد و مستقل حقوق بشری مصرأً می خواهد مقامات و نهاد های دولتی جمهوری اسلامی ایران را محکوم کرده و آن ها را وادار به رعایت قوانین بین المللی و منشور جهانی حقوق بشر با همه ملحقات آن بکنند.

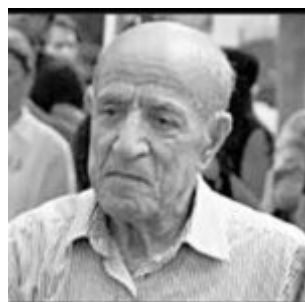
شورای هماهنگی جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران.

پانزدهم آذر ۱۳۹۶ برابر با ششم دسامبر ۲۰۱۷

پیام تسلیت

شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک
ایران

به خانواده های گرامی احمدزاده ها و مردم ایران



طاهر احمدزاده، یکی از فرزندان راستین ایران در روز ۵ شنبه ۹ آذر ۱۳۹۶ چشم از جهان فرو بست و دوستان و دوستان خود و تمامی پویندگان

راه آزادی و همه هم میهنانی را که آرمان شان نفی هر گونه جهل، تزویر، ستم و استثمار نوع انسانی است، اندوهگین و ماتم زده کرد.

طاهر احمدزاده یک شخصیت ملی و وفادار به آرمان‌های انقلاب مشروطیت و دکتر محمد مصدق بود. او با داشتن اعتقادات مذهبی، دارای منش والای یک فرد لائیک به تمام معنا، در همه سطوح فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بود.

او بیش از ۷۵ سال از زندگی خود را در راه مبارزه با استبداد و کسب آزادی و پاسداری از استقلال ایران گذاشت.

طاهر احمد زاده چندین بار در زمان رژیم گذشته و نیز در دوران رژیم واپسگرا و پوسیده کنونی دستگیر شد و سال‌ها از عمر خود را در زندان‌های گوناگون گذراند.

دو تن از فرزندان او، مسعود و مجید احمدزاده، از بنیان‌گذاران سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، در اسفند ۱۳۵۰ تیرباران شدند و فرزند دیگر او، مجتبی احمدزاده، در دهه ۶۰ به دست لاجوردی و به دستور مستقیم خمینی اعدام شد. در همان سال‌های سیاه دهه ۶۰، خود طاهر احمدزاده به زندان افتاد. رژیم خواست احمدزاده را بشکند و در تلویزیون به توبه وادارد. شکنجه‌های حیوانی به حدی بود که سرانجام پیرمرد زندانی و اسیر را به شکست کشاند. رژیم سرمست از این پیروزی، فیلم فرمایشی خود را به نمایش گذاشت. اما هیچ مبارز و آزاده‌ای آن فیلم را باور نکرد و تنها به حساب خونخواری خمینی، لاجوردی... گذاشته شد.

نام طاهر احمدزاده همواره در دیدگاه مردم، به ویژه مردم خراسان، به عنوان سمبل مبارزه، پایداری، رواداری و هم‌چنین به عنوان چهره‌ای پیگیر در راه دموکراسی و آزادی در تاریخ کشور ما ثبت خواهد شد.

ما درگذشت طاهر احمدزاده را به خانواده و نزدیکان او و به همه مبارزان راه آزادی تسلیت می‌گوئیم.

شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

۱۲ آذرماه ۱۳۹۶

زلزله در باختران ایران

کشته شدن صدها نفر، زخمی شدن چندین هزار نفر

مسئولیت ناپذیری جمهوری اسلامی ایران

در روز یکشنبه ۲۱ آبان، زلزله ای به قدرت « ۷٫۳ ریشتر » بخش بزرگی از استان باختران و نواحی مرزی در کردستان عراق را ویران کرد. دولت ایران آمار کشته شدگان و زخمیان را به درستی اعلام نمی کند. گمان می رود در شهرها و روستاها، بیش از صدها نفر کشته یا در زیر آوارها مانده اند و هزاران نفر هم زخمی و بی خانمان شده اند.

شهرهای سرپل ذهاب و قصر شیرین کانون های اصلی این زمین لرزه بوده اند. بنا بر اقرار نماینده سرپل ذهاب، « بعضی از بیماران و پرسنل تنها بیمارستان شهر، زیر آوار مدفون شده اند ». در این شرایط با وجود اینکه کمک رسانی عاجل ضروری است، اما تا کنون، حکومت اسلامی نسبت به این مصائب، اقدامات و مساعدت های لازم و شایسته را انجام نداده است.

رساندن پوشاک، پتو، کمک های بهداشتی، دارویی و ایجاد بیمارستان های اضطراری فوریت دارند. کمک های نخستین مانند آب رسانی و برق، خوراک و تهیه سرپناه در این مناطق به کندی انجام می گیرد و در زیر سرمای جان فرسای کوهستانی، مردم هنوز از امکانات لازم برخوردار نشده اند.

با وجود اینکه حکومت ایران می داند کشور ما بر روی گسل های زلزله خیز قرار دارد، اما هیچ تدبیر لازمی را در برنامه ریزی های خانه سازی برای مقابله با آن بکار نمی برد. در آمد های کلانی که از نفت و گاز بدست می آیند، توسط صاحبان قدرت های داخلی، یا حیف و میل می شود یا به خرید اسلحه برای جنگ و آدمکشی و سرکوب جنبش های مردمی تخصیص می یابند.

جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران به تمام احزاب اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران، انجمن ها و نهادهای مدنی ایرانی و بین المللی

اعلام می‌کند که آماده همکاری در کمک رسانی به زلزله زدگان که در واقع قربانیان سیاست‌های ضد مردمی حکومت اسلامی ایرانند، می باشد. جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران به مردمان تمام این مناطق زلزله زده، به ویژه به خانواده‌های قربانیان تسلیت می‌گوید.

شورای هماهنگی جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران

<http://nedayeazady.org>

۲۳ آبان ۱۳۹۶